

تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی

مازیار جهانبخش^{۱*}

محمدحسین حجتی‌نیا^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۹

چکیده

تجارت دریایی از زمان‌های گذشته تاکنون نقش قابل توجهی در تجارت بین‌المللی داشته و در زمان جنگ تحمیلی نیز دو کشور ایران و عراق از شرایط مذکور مستثنی نبوده و وابستگی شدیدی به استخراج نفت و فروش آن داشتند. با توجه به اهمیت موضوع مذکور، هدف این تحقیق بررسی و تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی است و پرسش اصلی این است که جنگ نفت‌کش‌ها چه تأثیری بر سرنوشت جنگ تحمیلی داشته است؟ با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، این پژوهش از نوع کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی با رویکرد آمیخته قرار دارد. جامعه آماری این تحقیق شامل تعداد ۵۵ نفر (حجم نمونه تمام شمار) از معاونین، فرماندهان و مدیران شاغل و بازنشسته نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا و شرکت ملی نفت کش ج.ا.ا که سابقه حضور در طرح ریزی و عملیات اسکورت یگان‌های نفت‌کش در زمان جنگ تحمیلی داشته‌اند. نتایج تحقیق نشانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران به علت تأثیر جنگ نفت‌کش‌ها، ضمن مواجه شدن هم‌زمان با جبهه جدید نظامی و درگیری مستقیم با نیروهای فرامطقه‌ای و همچنین به علت کاهش صادرات و بهای نفت با شرایط دشوار اقتصادی و نظامی مواجه گردیده و در نهایت شرایط تحمیل شده بر اثر جنگ نفت‌کش‌ها را می‌توان از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی و پذیرش قطع‌نامه از سوی جمهوری اسلامی ایران دانست.

واژگان کلیدی

جنگ تحمیلی، جنگ نفت‌کش‌ها، سرنوشت جنگ

۱ - کارشناس ارشد مدیریت دفاعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران.

۲ - استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: mh1441350@gmail.com

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی تحولات عمیقی در سطح منطقه و در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد و در سیاست‌های نفتی نیز نگرش متفاوت رهبران به مسائل نفتی و خروج شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی نفتی از صنایع نفت کشور، موجب نوسانات شدید در عرصه تولید و صادرات نفت گردید به گونه‌ای که صادرات نفت ایران از جایگاه تولیدکننده دوم در سطح منطقه کاهش یافت و عراق در زمینه تولید و صادرات نفت از ایران پیشی گرفت. به‌طور قطع تجاوز نظامی عراق به ایران در شهریورماه سال ۱۳۵۹ را می‌توان در عوامل متعددی جستجو نمود. اما یکی از مهم‌ترین این عوامل را می‌توان دسترسی عراق به مناطق نفت‌خیز جنوبی و بهبود وضعیت خفگی ژئوپلیتیک عراق در سواحل خلیج فارس نام برد. صدام با توجه به گزارش‌های اطلاعاتی، مبنی بر کاهش آمادگی نیروهای مسلح ایران به علت تحولات انقلاب اسلامی و تنها چند روز پس از پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (در مورخه ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ و ادعای مالکیت بر رودخانه اروندرود) در مورخه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ حمله همه‌جانب‌هایی را با بیش از ۹ لشکر رزمی به ایران آغاز نمود و تصور می‌کرد که با حمله به ایران، حداقل می‌تواند به مناطق نفت‌خیز استان جنوبی ایران دست یابد. اما اشتباه مرگبار صدام این بود که در محاسبات خود به این نکته دقت نکرده بود که او به یک انقلاب (با پشتوانه عظیم مردمی) حمله می‌کند (Lee, 2010:4) پس از مدت کوتاهی از شروع جنگ تحمیلی و از اوایل سال ۱۹۸۱ پس از سازمان‌دهی نیروهای ایران، سرعت عملکرد نیروهای عراقی کاهش یافت و به تدریج قسمت‌های عمده‌ای از مناطق اشغال‌شده ایران، توسط نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آزاد گردید. همچنین با توجه به اینکه صادرات نفت عراق از طریق خطوط مواصلات دریایی از همان ماه‌های ابتدایی جنگ پس از عملیات غرورآفرین مروارید قطع گردیده بود و کشور عراق با مشکلات متعدد مالی به‌منظور تأمین منابع مالی هزینه‌های جنگ مواجه شده بود. تلاش گسترده‌ای را به منظور جذب کمک‌های مالی از طریق کشورهای حاشیه خلیج فارس آغاز نمود و از سوی دیگر با بهره‌گیری از قدرت هوایی و در نبود نیروی

دریایی کارآمد، تلاش گسترده‌ای را به منظور حمله به خطوط مواصلاتی دریایی جمهوری اسلامی ایران و کشاندن دامنه جنگ به خلیج فارس، که در سال‌های بعد به عنوان جنگ نفت‌کش‌ها معروف گردید آغاز نمود. عراق از سال ۱۹۸۱ عملاً حمله به کشتی‌های نفت‌کش در خلیج فارس را به همراه حمله به تأسیسات نفتی جمهوری اسلامی ایران، با جدیت دنبال می‌نمود و هم‌زمان با سخت‌تر شدن شرایط در جبهه زمینی و کاهش درآمدهای نفتی به این حملات شدت داده و به گونه‌ای که از سال ۱۹۸۴ حملات به نفت‌کش‌ها گسترش زیادی یافته و تنها به منطقه شمال خلیج فارس و کشتی‌های ایرانی نیز محدود نمی‌شد و این امر موجب افزایش هزینه‌های صدور نفت مانند بیمه کشتی‌ها و همچنین افزایش حضور کشورهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس شده بود. (Lee, 2010:6) در این زمان عراق اقدام به اختلال بیشتر در تجارت دریایی ایران و باز کردن جبهه دوم جنگ برای نیروهای ایرانی با تشدید جنگ نفت‌کش‌ها و به خطر انداختن منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز نمود. به گونه‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۸۷ یک فروند میزبان عراقی اقدام به حمله نظامی به یک فروند فریگت موشک‌انداز آمریکایی به نام استارک، که در حال گشت زنی دریایی در آب‌های بین‌المللی بود نمود و ضمن آسیب شدید به واحد شناور، موجب کشته و مجروح شدن بیش از یک‌پنجم کارکنان آن (۳۷ نفر) گردید. نکته جالب پس‌ازاین حمله را می‌توان در سخنان رئیس‌جمهور آمریکا (رونالد ریگان) دانست که ایران را به علت عدم مذاکره به منظور پایان یافتن این جنگ پرهزینه، متهم نمود. (Razoux, 2015: 15) در این راستا مهم‌ترین پرسش این مقاله این است که جنگ نفت‌کش‌ها چه تأثیری بر سرنوشت جنگ تحمیلی داشته است؟ در مورد اهمیت تحقیق می‌توان بیان نمود که کشورهای حوزه خلیج فارس بخش اعظم نفت تولیدی خود را برای عرضه به بازار جهانی نفت از تنگه هرمز و به وسیله نفت‌کش‌های غول‌پیکر عبور می‌دهند، به طوری که بر اساس آخرین آمار توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا در سال ۲۰۲۰ روزانه ۲۱ میلیون بشکه نفت خام و مشتقات آن از این تنگه عبور کرده است. لازم به ذکر است که بیش از ۶۰٪ از بیش از ۹۰٪ در صد تجارت دریایی و صادرات نفتی جمهوری اسلامی ایران نیز از طریق تنگه هرمز و اقیانوس

هند انجام می‌پذیرد. لذا محافظت از خطوط مواصلاتی دریایی و مسیر تردد نفت‌کش‌ها نه تنها امری حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. بلکه هرگونه اشکال در تردد نفت‌کش‌ها در منطقه حساس تنگه هرمز و خلیج فارس موجب تأثیر گسترده بر بازار جهانی انرژی خواهد شد. لذا ضروری است که جمهوری اسلامی ایران با مرور درس آموخته‌های حاصل از جنگ تحمیلی در عرصه دریاها نسبت به تقویت قدرت دریایی خود اقدام نموده و با تأمین امنیت آبراه بین‌المللی و مسیر عبور نفت‌کش‌ها، مانع از هرگونه نا امنی در خطوط مواصلاتی دریایی و حضور نیروهای فرمانطقه‌ای به بهانه تأمین امنیت آبراه بین‌المللی تنگه هرمز و خلیج فارس گردند لذا با مطالعه تحولات تاریخی در عرصه دریاها به‌خصوص در خلیج فارس و جنگ تحمیلی می‌توان به نقاط ضعف و قوت در عرصه دریا پی برده و با برنامه‌ریزی منسجم و تبیین استراتژی مناسب زمینه دفاع مطلوب از منافع ملی را فراهم نمود. در ادامه هدف، سؤال اصلی و فرضیه تحقیق را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

- **هدف تحقیق:** تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی
- **سؤال اصلی:** جنگ نفت‌کش‌ها چه تأثیری بر سرنوشت جنگ تحمیلی داشته است؟
- **فرضیه تحقیق:** به نظر می‌رسد جنگ نفت‌کش‌ها از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی بوده است.

نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که به نقش سرنوشت‌ساز دریا و جنگ نفت‌کش‌ها به‌عنوان یک عامل مهم در سرنوشت جنگ تحمیلی و با در نظر گرفتن ابعاد نظامی، اقتصادی و ائتلاف‌سازی می‌پردازد و راهکارهایی جهت تقویت ابعاد مذکور در مقابله با تهدیدات آینده ارائه می‌دهد.

مبانی نظری

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران میان دو کشور عمده صادرکننده نفت رخ داده و هر دو کشور در زمان آغاز جنگ، حجم قابل توجهی نفت، تولید و صادر می‌کردند و تا اندازه زیادی در زمینه درآمدهای ارزی و هزینه‌های دولت به درآمدهای نفتی وابستگی شدید داشتند (میر ترابی ۱۳۹۰: ۲۴). در زمان کوتاهی پس از آغاز جنگ تحمیلی نیروی دریایی

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۰ با اجرای عملیات مروارید و انهدام سکوهاى البکر و العمیه ضربه سنگینی به نیروی دریایی عراق و صادرات نفت این کشور از طریق خلیج فارس وارد نمودند. در حین این عملیات ایران توانسته بود بیش از دوسوم قدرت دریایی دشمن بعثی را منهدم نماید، اما مهم‌تر این‌که مابقی شناورهای عراقی‌ها بعد از این عملیات دیگر جرأت ظاهر شدن در خلیج فارس را نداشتند و فقط در محدوده خور عبدالله گشت می‌زدند. لذا عراق از همان سال‌های ابتدای جنگ و به‌خصوص پس از تقویت ناوگان هوایی خود با میزهای فرانسوی، تلاش گسترده‌ای را در جهت نا امن کردن خلیج فارس و گسترش جنگ نفت‌کش‌ها در منطقه خلیج فارس آغاز نمود (Nadia, 1998: 18). با این حال این مقاله در مبانی نظری به بررسی تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی در دو مرحله تاریخی از سال ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۴ و از سال ۱۹۸۵ الی پایان جنگ تحمیلی ۱۹۸۸ می‌پردازد.

الف: دلایل شروع جنگ نفت‌کش‌ها از آغاز جنگ تحمیلی و روند گسترش آن بین سال‌های ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۴

پژوهشگران سال‌ها این پرسش را مطرح کرده‌اند که دلیل آغاز جنگ‌ها را شناسایی نمایند و به این پرسش پاسخ‌های بسیاری داده شده است از جمله عواملی که محققان به آن اشاره می‌نمایند منابع طبیعی است. منابع طبیعی در گذشته به‌عنوان ابزار یا اهداف جنگ مورد استفاده قرار گرفته است و در آینده نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت و همواره بین جنگ، ثروت و قدرت رابطه ناگسستنی وجود دارد (میر ترابی ۱۳۹۰: ۲۶). از آنجاکه منابع طبیعی به‌صورت همگن در سراسر جهان وجود ندارد و تنها در برخی مناطق و تحت کنترل برخی کشورها یا گروه‌ها یافت می‌شود لذا جوامعی که به این منابع نیاز داشتند، برای دست یابی به آن‌ها به اقدامات تهاجمی دست می‌زدند، بالاخص اگر این منابع طبیعی برای ادامه حیات فیزیکی یا اقتصادی سایر جوامع مورد نیاز باشد. به‌عنوان مثال پس از جنگ جهانی دوم، نفت به مهم‌ترین سوخت و منبع انرژی موتور اقتصادی کشورهای جهان تبدیل شد و کشورهای نفت‌خیز در معرض تهاجم دیگران قرار گرفتند. در این مورد مفریز معتقد است

حداقل شش مکانیسم می‌تواند رابطه بین منابع طبیعی و جنگ را توضیح دهند، که این مکانیسم‌ها عبارت‌اند از: عملکرد شورشیان حریص داخلی، عملکرد دولت‌های حریص خارجی، نقش گروه‌های ناراضی، طرز عمل گروه‌های فرصت‌طلب، وجود دولت‌های ضعیف و وجود شبکه‌های پراکنده (Humphreys, 2005:4). وضعیت پیش‌آمده پس از انقلاب اسلامی موقعیت مطلوبی بود تا صدام با کمک قدرت‌های جهانی تصویر دلخواهش را از خطرات انقلاب ایدئولوژیک ایران به کشورهای منطقه نشان داده و احساسات ناسیونالیستی اعراب را برانگیزاند و در حقیقت با رهاندن عراق از تنگنای ژئوپلیتیک موجب دسترسی این کشور به آب‌های خلیج فارس و تسلط بر مناطق نفت‌خیز جنوب ایران در خوزستان گردد (زرقانی، ۱۳۹۵: ۶۹). در آغاز جنگ تحمیلی به علت تغییر چگونگی نگاه سیاستمداران ایرانی به مسئله منابع ملی و عواملی مانند خروج شرکت‌های بزرگ خارجی از ایران، صادرات نفت ایران نسبت به عراق کاهش یافته و عراق با رشد چشمگیر صادرات نفت و افزایش ۶۳ درصدی بودجه نظامی در جایگاه یکی از قوی‌ترین قدرت‌های منطقه خلیج فارس قرار گرفت (شعرباف، ۱۳۹۰، ۶۲) در جدول ذیل مقایسه درآمد نفتی سال‌های منتهی به جنگ تحمیلی بین ایران و عراق قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱: مقایسه درآمدهای نفتی کشورهای ایران و عراق - میلیون دلار (شعرباف، ۱۳۹۰، ۳۲)

کشور/سال	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۷	۱۹۷۹
ایران	۵۶۱۷	۲۰۹۰۴	۲۳۵۹۹	۱۹۱۸۶
عراق	۱۸۴۲	۶۵۳۴	۹۵۶۰	۲۱۳۸۲

• اعلام منطقه محرومیت دریایی توسط ایران در مرزهای دریایی

پس از حمله عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران نیروی دریایی بر طبق یک بیانیه دریایی اعلام نمود که مرزهای دریایی در نزدیکی سواحل ایران به عنوان منطقه محرومیت دریایی^۱ اعلام می‌گردد و دولت ایران هیچ‌گونه مجوزی به منظور حفظ ایمنی، شناورهای

^۱ MEZ- Maritime exclusion zone

که قصد عزیمت به بندرها عراق را دارند صادر نمی‌کند. بنابراین نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با اعلام این بیانیه دریایی به دنبال دستیابی به اهداف ذیل بود:

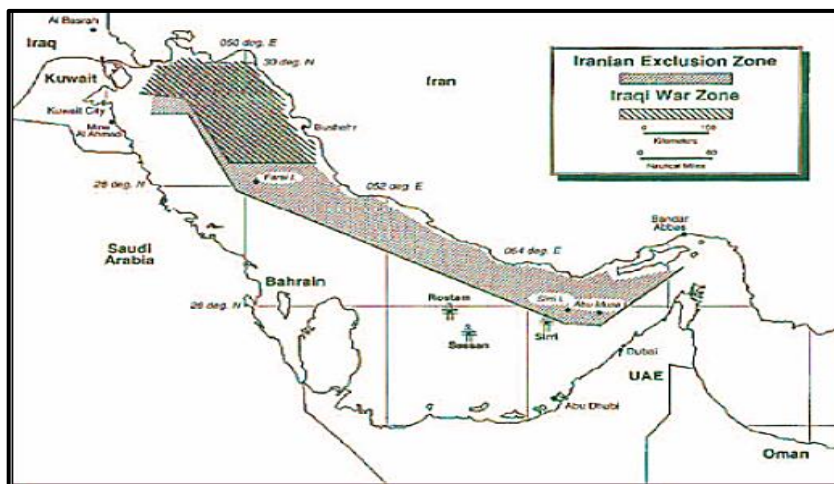
- کنترل بیشتر تردد دریایی در آب‌های سرزمینی
- مشخص نمودن مسیر حمل‌ونقل جایگزین جهت شناورهای بی‌طرف
- زمینه‌سازی محاصره بندرها عراق

منطقه محرومیت دریایی اعلام‌شده توسط ایران، محدود به دریایی سرزمینی ایران و آب‌های مجاور آن در دریای آزاد بود و با توجه به اینکه منطقه اعلام‌شده ماهیت دفاعی داشت ممانعتی را برای خطوط کشتیرانی بی‌طرف ایجاد نمی‌کرد زیرا بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق دریاها^۱، یک کشور در زمان صلح با رعایت برخی استثنایا مانند رعایت حقوق عبور در تنگه‌های بین‌المللی، می‌تواند به‌طور موقت عبور کشتی‌های خارجی را از آب‌های سرزمینی خود که همان حق عبور بی‌ضرر هست، تعلیق نماید (Sandesh, 2016, 182). لازم به ذکر است منطقه دفاعی دریایی^۲ برای اولین بار در نبرد دریایی امپراتوری روسیه و امپراتوری ژاپن^۳ در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۴ و چند روز قبل از آغاز درگیری، توسط امپراتوری ژاپن به‌صورت رسمی اعلام گردید. نیروی دریایی ژاپن چند روز قبل از آغاز درگیری مناطقی را به‌عنوان مناطق با محدودیت تردد دریایی با ماهیت دفاعی اعلام نمود که تردد در این مناطق در محدوده غروب تا طلوع خورشید ممنوع بوده و تردد در روز می‌بایست با هماهنگی نیروی دریایی و در مسیرهای مشخص‌شده صورت می‌پذیرفت.

^۱ UNCLOS- United Nations Convention on the Law of the Sea

^۲ Defense Zones

^۳ Russo-Japanese War



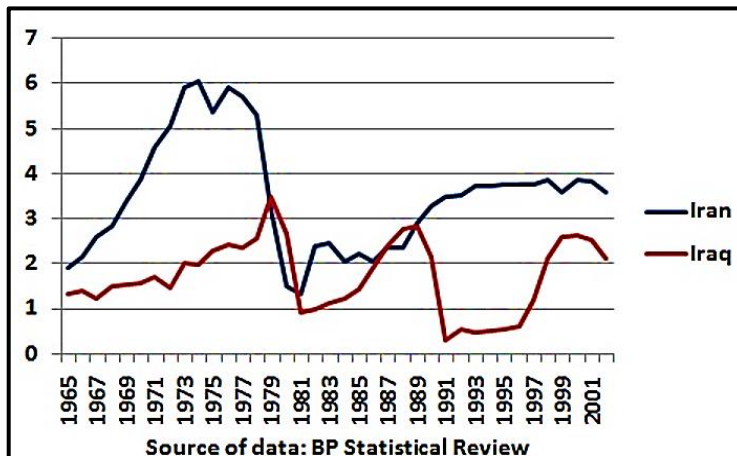
شکل (۱) مناطق جنگی اعلام شده توسط ایران و عراق در مرزهای دریایی

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران همچنین با توجه به پیش‌بینی درگیری و حمله نیروهای عراقی به ایران، طرح‌های عملیاتی را به منظور مقابله با تهدیدات احتمالی و انهدام ناوگان دریایی و خطوط مواصلاتی دشمن آماده کرده بود و به همین علت در فاصله کوتاهی پس از آغاز جنگ تحمیلی با اجرای موفقیت‌آمیز عملیات مروارید در سال ۱۹۸۰ میلادی موفق به نابودی نیروی دریایی دشمن و انهدام سکوهای اصلی صادرات نفت عراق و تسلط کامل بر خطوط مواصلاتی شمال خلیج فارس گردید. این عملیات موجب نزدیک به صفر شدن صادرات نفت عراق از طریق خطوط مواصلاتی دریایی گردید. لذا صادرات نفت عراق از آب‌های خلیج فارس متوقف شده و صادرات نفت این کشور از طریق خط لوله ترکیه صورت می‌گرفت.

• عوامل مؤثر بر بهره‌گیری عراق از جنگ نفت‌کش‌ها در بعد اقتصادی

در بازه زمانی ۱۹۸۰-۱۹۸۴ ایران توانست با تسلط بر دریا و با وجود حملات شدید هوایی دشمن به پایانه نفتی خارک، صادرات نفتی خود را از طریق پایانه خارک و پایانه‌های جزیره سیری و لاوان ادامه دهد و با بهره‌گیری از منابع حاصل شده به تأمین تسلیحات مورد نیاز در جنگ و هم‌زمان به تأمین نیازمندی‌های اصلی کشور بپردازد و این در حالی بود که عراق با مشکلات شدیدی در جهت صادرات و تأمین منابع مالی جهت اداره جنگ مواجه بود و

گرایش بیشتری به پایان دادن جنگ نشان می‌داد. البته مجموعه کمک‌های مالی گسترده‌ای که کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و قدرت‌های فرا منطقه‌ای در اختیار حاکمان بغداد قرار می‌دادند، مانع از آن می‌گردید که در این مقطع، عراق از تأمین هزینه‌های مربوط به استمرار جنگ با ایران بازماند (میر ترابی ۱۳۹۰: ۳۷).



شکل (۲) نمودار مقایسه صادرات نفت ایران و عراق و کاهش شدید صادرات نفت عراق

پس از عملیات مروارید در سال ۱۹۸۰ میلادی (Rourke, 1988, 12)

جدول شماره ۲: مقایسه درآمدهای نفتی و هزینه‌های نظامی ایران ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۴ (شعرباف، ۱۳۹۰، ۳۵)

سال	هزینه‌های نظامی (میلیارد دلار)	درآمدهای نفتی (میلیارد دلار)
۱۹۸۰-۱۹۸۱	۴/۲	۱۲
۱۹۸۱-۱۹۸۲	۴/۴	۱۲
۱۹۸۲-۱۹۸۳	۱۵/۵	۲۳
۱۹۸۳-۱۹۸۴	۱۷/۳۷	۱۸

عراق همچنان با گذشت زمان جنگ و تجهیز شدن به ناوگان هوایی پیشرفته، تلاش خود را متمرکز بر قطع خطوط مواصلاتی ایران در دریا با حملات مستمر هوایی و گسترش جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس نمود و این حملات به صورت مستمر به صنایع دریایی، پایانه‌ها و همچنین کشتی‌های تجاری افزایش پیدا می‌کرد که موجب ناامن شدن خطوط

کشتیرانی و افزایش هزینه‌ها مانند حق بیمه کشتی‌ها و تحریک حضور هر چه بیشتر قدرت‌های جهانی در منطقه می‌گردید. لازم به ذکر است در زمان مذکور نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران تمامی تلاش خود را در جهت تأمین خطوط مواصلاتی و اسکورت یگان‌های تجاری انجام داده و اکثر کشتی‌های تجاری را با موفقیت از مناطق مخاطره‌آمیز عبور می‌داد. در جدول ذیل میزان حملات عراق به کشتی‌های تجاری در بازه زمانی موردنظر فراوان است. لازم به ذکر است که در بین سال‌های ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۳ جمهوری اسلامی ایران تنها حملات خود را به ناوگان تجاری عراق در مناطق جنگی اعلام شده انجام می‌داد و از سال ۱۹۸۴ میلادی حملات خود را به کشتی‌های تجاری کشورهایمانند عربستان و کویت که به پشتیبانی مالی کشور عراق می‌پرداختند آغاز نمود.

جدول شماره ۳: حملات انجام‌شده توسط کشور عراق به کشتی‌های تجاری ۱۹۸۱-۱۹۸۴ (Rourke,

1988, 3)

ردیف	تعداد حمله انجام‌شده	سال
۱	۵	۱۹۸۱
۲	۲۲	۱۹۸۲
۳	۱۶	۱۹۸۳
۴	۵۳	۱۹۸۴

عراق به منظور ایجاد نا امنی در خلیج فارس و کسب اهداف موردنظر کشتی‌های تجاری با پرچم‌های مختلف را مورد حمله قرار می‌داد که در این میان بیشتر حملات انجام‌شده به کشتی‌های با پرچم پاناما و لیبریا قرار داشت.^۱

• سلسله عملیات اسکورت کاروان توسط نیروی دریایی ارتش و در راستای

محافظت از بعد اقتصادی

هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی، اروندرود مسدود و بندر خرمشهر نیز غیرقابل استفاده شد. از سوی دیگر استفاده از بندر شهید باهنر و بندر بوشهر نیز پاسخگوی نیاز کشور نبود. با توجه به حساسیت بندر امام خمینی (ره) و قابلیت پهلوگیری تعداد زیاد کشتی‌های تجاری

^۱ Flag Of Convenient

در این بندر، همچنین نزدیکی این منطقه به خاک دشمن، از ابتدای جنگ این بندر مورد حمله دشمن قرار گرفت. رژیم بعثی سعی کرد با به‌کارگیری هواپیماهای جنگنده و همچنین با استقرار موشک‌های ساحل به دریا در رأس البیشه و پرتاب آن‌ها به‌سوی کشتی‌های در حال تردد در خور موسی، کشتی‌های تجاری را در خور موسی غرق کند تا با بسته شدن این کانال امکان تردد به بندر امام و بندر ماهشهر از بین برود. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تجمع اولیه یگان‌های اسکورت شونده در لنگرگاه بندرعباس و استقرار نفرات مخابراتی و هماهنگ‌کننده بر آن‌ها همچنین سازمان‌دهی اولیه و حرکت به‌سوی لنگرگاه بوشهر با حمایت یگان‌های نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌دهی مجدد کاروان، اجازه نداد دشمن موفق به قطع خطوط مواصلاتی دریایی در ایران شوند و با عملیات پدافندی در خور موسی توانست امنیت را برای تردد کشتی‌ها فراهم نماید.

همچنین نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ تدابیر لازم و اجرای تاکتیک‌های خاص و با به‌کارگیری مناسب یگان‌های شناور رزمی و تیم‌های عملیات ویژه تکاوران و غواصان و پشتیبانی هوایی جنگنده‌های نیروی هوایی قهرمان کشور و بالگردهای هوا دریا در طول جنگ تحمیلی، اسکورت هزاران فروند کشتی در قالب ۲۵۰ عملیات اسکورت کاروان‌های تجاری و نفت‌کش و محموله ویژه در منطقه‌ای به وسعت ۶۱ هزار کیلومترمربع را با موفقیت کامل و کمترین تلفات و خسارات ممکن انجام داده و در این راستا توانسته است یکی از اهداف مهم جنگ دریایی که همانا باز نگه‌داشتن خطوط مواصلاتی دریایی خودی است را تحقق بخشد. در طول عملیات‌های اسکورت کاروان‌های تجاری و نفت‌کش، حملات هوایی و موشکی عدیده‌ای از سوی نیروهای دشمن متجاوز شکل می‌گرفت که با هوشیاری کارکنان یگان‌های شناور اسکورت‌کننده و تیم‌های عملیات ویژه تکاوران مستقر در کشتی‌های اسکورت شونده و همچنین استفاده از سامانه‌های جنگال و انواع تاکتیک‌های دیگر فریب، علاوه بر انهدام تعدادی از هواپیماها و شناورهای دشمن موجب انحراف صدها فروند از موشک‌های دشمن گردید، به‌طوری‌که در طول این

عملیات‌های گسترده و اسکورت بیش از ۱۰/۰۰۰ فروند کشتی، تعداد ۲۵۹ فروند از کشتی‌ها (۲/۶ درصد) مورد اصابت قرار گرفته که از این تعداد ۲۰ فروند کشتی تجاری دچار صدمات جدی شدند و بقیه با بار سالم به بنادر مقصد هدایت گردیدند که این آمار در مقایسه با حجم تلاش‌های دشمن در وارد نمودن خسارات و لطمات به منابع حیاتی جمهوری اسلامی ایران موفقیت بسیار ناچیزی را برای رژیم بعثی به دنبال داشته و همانند سایر صحنه‌های نبرد برای دشمن ناکامی بزرگی به حساب می‌آید (مرین‌پرس، ۱۳۹۹، کدخبر ۱۳۹۰۵).

• عملیات پدافند از جزیره خارک

جزیره خارک یکی از مهم‌ترین مراکز صادرات نفت و از مناطق حساس و حیاتی کشور به شمار می‌آید. به گونه‌ای که اگر در طول جنگ تحمیلی، در امر صدور نفت از این پایانه خللی به وجود می‌آمد، خسارات جبران‌ناپذیری را در امر اقتصاد کشور، پشتیبانی از رزمندگان اسلام و اداره جنگ تحمیلی به دنبال داشت. در طول جنگ، این منطقه از کشور همواره آماج حملات هوایی و موشکی نیروی هوایی عراق قرار می‌گرفت. بنابراین نیروی دریایی ارتش با استقرار یگان‌های شناور خود در رینگ پدافندی اطراف جزیره خارک، ضمن ایجاد پست پدافند هوایی و سطحی، از نفوذ عوامل دشمن به جزیره مذکور جلوگیری می‌کردند. گروه هوا ناو نیروی دریایی نیز در طول جنگ، در جزیره خارک مستقر شده بود و با انجام عملیات پشتیبانی، امکان اجرای عملیات‌های زمینی، اسکورت نفت‌کش‌ها، تجسس و نجات، مردم یاری و... را به وجود آورده بود. به طور کلی، پدافند از جزیره خارک، تأسیسات و اسکله‌های نفتی و همچنین نفت‌کش‌هایی که جهت بارگیری و صادرات نفت در محدوده آن جزیره مستقر می‌شدند از جمله مأموریت‌های غیورمردان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی به شمار می‌آید. در طول ۸ سال جنگ مردم هیچگاه از لحاظ واردات کالا و مهماتی که وارد می‌شد در آن منطقه خطری احساس نمی‌کردند مگر آنکه این محدودیت‌ها در فروش این اقلام به جمهوری اسلامی ایران بود. لذا هر کالایی که از طریق دریا وارد بنادر ایران می‌شد (۹۹ درصد اقلام) با اسکورت و حمایتی که از طرف

نیروهای دریایی ایرانی می‌شد هیچگونه صدمه‌ای از ناحیه دشمن نمی‌دید (معنوی، ۱۳۸۹، ایسنا).

ب) عوامل مؤثر بر جنگ نفت‌کش‌ها و نتایج آن از سال ۱۹۸۵ الی پایان جنگ تحمیلی

در این دوره ایران شاهد گسترش جنگ نفت‌کش‌ها و افزایش قلمرو جغرافیایی آن به آب‌های خلیج فارس و جزایر ایرانی واقع در این آب‌ها است. در این زمان به واسطه پایان یافتن ذخایر سلاح‌های خریداری شده از زمان پیش از انقلاب اسلامی، ایران نیازهای بسیار بیشتری برای خرید سلاح داشت و درعین حال، تحریم تسلیحاتی که به‌ویژه ایالات متحده آن را دنبال می‌کرد خرید سلاح را مشکل‌تر و پرهزینه‌تر کرده بود و بر اساس آمارهای منتشرشده، هزینه جنگ که در سال‌های اول در حدود یک‌سوم بودجه ملی را جذب می‌کرد در سال‌های پایانی جنگ بیش از درآمدهای نفتی کشور شده بود (میر ترابی ۱۳۹۰: ۳۸). لذا ایران از سال ۱۹۸۵ به دنبال یک پیروزی قاطع در جنگ و پایان دادن به آن بود و عراق نیز با توجه به سخت‌تر شدن و فرسایشی بودن جنگ در مرزهای زمینی و اهمیت منطقه خلیج فارس در تأمین انرژی جهان، به این نتیجه رسیده بود که هرگونه اختلال در خطوط مواصلاتی و تجارت دریایی به‌وسیله جنگ نفت‌کش‌ها، ضمن کاهش توان رزمی نیروهای ایرانی و مشکلات فراوان اقتصادی برای ایران، موجب حضور نیروهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس و افزایش احتمال درگیری با نیروهای ایرانی و ایجاد جبهه جدید درگیری برای ایران خواهد شد.

جدول شماره ۴: مقایسه هزینه‌های نظامی و درآمدهای نفتی ایران ۱۹۸۴-۱۹۸۷ (شعبان، ۱۳۹۰ و ۳۵)

سال	هزینه‌های نظامی (میلیارد دلار)	درآمدهای نفتی (میلیارد دلار)
۱۹۸۴-۱۹۸۵	۱۶/۱۴	۱۲/۵
۱۹۸۵-۱۹۸۶	۱۴/۸۹	۱۲
۱۹۸۶-۱۹۸۷	۱۵/۸۹	۶-۸

در این زمان عراق با برنامه‌ریزی منسجم در جهت بهره‌گیری حداکثری از قدرت هوایی و همچنین با به‌کارگیری تجهیزات پیشرفته نظامی خارجی مانند هواپیماهای میراژ فرانسوی و موشک‌های اگزوست نسبت به فشار حداکثری بر اقتصاد ایران با آسیب رساندن به خطوط

مواصلات دریایی و گسترش جنگ نفت کش ها در مناطق شمالی و میانی خلیج فارس اقدام نمود (Nadia, 1998:36).

جدول شماره ۵: حملات انجام شده به کشتی های تجاری ۱۹۸۵-۱۹۸۷ (Rourke, 1988, 6)

کشور	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷
عراق	۳۳ فروند	۶۶ فروند	۸۸ فروند
ایران	۱۴ فروند	۴۵ فروند	۹۱ فروند

• نقش افزایش فشار اقتصادی با حمله به نفت کشها

لازم به ذکر است در سال های ۱۹۸۶-۱۹۸۷ طرفین جنگ از لحاظ اقتصادی و حفظ برتری در جنگ در فشار زیادی قرار داشتند. عراق از یک طرف تحت فشار شدید نیروهای زمینی ایران جهت کسب یک برتری قاطع بود و ایران نیز به علت کمبود منابع مالی، فرسایشی شدن جنگ و کشیده شدن جنگ به خلیج فارس و جنگ نفت کش ها در فشار زیادی قرار داشت. در سال ۱۹۸۶ ایران در یک عملیات موفق و با مشارکت نیروهای ارتش و سپاه موفق به اشغال شبه جزیره فاو در جنوب عراق و قطع ارتباط عراق با خلیج فارس گردید. این عملیات یکی از بزرگترین پیروزی های نظامی ایران پس از فتح خرمشهر است. و از جمله اهداف مهمی که می توان برای این عملیات مطرح نمود، دستیابی به یک پیروزی قاطع نظامی در جبهه های جنگ بود (علایی، ۱۳۸۶: ۲۳). لذا همان گونه که در جدول فوق ذکر گردید در سال مذکور حملات عراق به نفت کش ها نیز در جهت بروز مشکلات اقتصادی و کشیده شدن صحنه نبرد به خلیج فارس به شدت افزایش یافت. بیشتر حملات مذکور (بیش از سه چهارم) به تانکرها ی نفتی صورت می پذیرفت. البته تعدادی از حملات به سایر کشتی های تجاری مانند کشتی های فله بر، کانتینر بر، پشتیبانی و یدک کش ها نیز صورت پذیرفت.

جدول شماره ۶: حملات انجام شده کشتی های تجاری ۱۹۸۴-۱۹۸۷ (Rourke, 1988, 8)

نوع کشتی	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	مجموع
تانکر نفتی / محصولات نفتی	۲۱	۳۵	۷۸	۱۲۵	۲۵۹
باربری و کانتینر بر	۱۱	۹	۱	۳۱	۵۲

۱۰	۴	۰	۳	۳	پشتیبانی / خدماتی
۱۲	۶	۳	۳	۰	یدک‌کش
۷	۳	۲	۰	۲	غیره
۳۴۰	۱۶۹	۸۴	۵۰	۳۷	مجموع

• بهره‌گیری از بعد نظامی قدرت هوایی به‌منظور جبران ضعف در دریا

در صورتی که قدرت دریایی را به‌عنوان ظرفیت تأثیرگذاری بر سایر کشورها از طریق فعالیت‌ها و اقداماتی که در دریا انجام می‌گردد تعریف نموده و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت دریایی را مواردی مانند وضعیت جغرافیایی، منابع و اقیانوس دریایی، فناوری روز و نیروی دریایی کارآمد در نظر بگیریم (Till, 2013, 88) متوجه خواهیم شد که کشور عراق پس از عملیات غرورآفرین مروارید در ۷ آذر ۱۳۵۹ دو مؤلفه اصلی قدرت دریایی خود که شامل نیروی دریایی و اقتصاد دریایی است را از دست داد و با توجه به عدم توانایی بازسازی ناوگان دریایی در کوتاه‌مدت، تمامی تلاش خود را بر اساس استراتژی ناامن کردن تجارت در دریا و بهره‌گیری حداکثر از ناوگان هوایی در این راستا استوار نمود. جمهوری اسلامی ایران نیز با اجرای عملیات گسترده اسکورت دریایی، مجهز کردن نفت‌کش‌ها به پدافند هوایی ارتفاع پست و متنوع کردن اسکله‌های صادراتی و همچنین اجرای عملیات زمینی مانند والفجر ۸ (اشغال شبه‌جزیره فاو) که موجب عدم دسترسی کشور عراق به خلیج فارس می‌گردید، سعی در خنثی نمودن این استراتژی داشت. نیروی هوایی عراق نیز که در نبود نیروی دریایی قدرتمند، موظف به حفظ توازن قوا در دریا بود. با بهره‌گیری از قدرت هوایی، سلاح‌های پیشرفته غربی و موشک‌های اگزوست تمامی تلاش خود را در جهت ناامن کردن خطوط مواصلاتی دریایی و تأمین اهداف استراتژیک دولت عراق در جنگ تحمیلی به عهده داشت. در جدول ذیل نوع سلاح‌های استفاده شده در حمله به شناورها قابل مشاهده است.

جدول شماره ۷: نوع سلاح‌های استفاده‌شده در حمله به شناورهای تجاری ۱۹۸۴-۱۹۸۷ (Rourke, 1988, 10)

نوع سلاح استفاده‌شده	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	مجموع
موشک-راکت	۲۰	۳۷	۶۳	۶۷	۱۸۷
مین دریایی	۲	۰	۰	۸	۱۰
توپخانه	۱	۱	۱	۱۱	۱۴
سایر موارد- نامشخص	۱۴	۱۲	۲۰	۸۳	۱۲۹
مجموع	۳۷	۵۰	۸۴	۱۶۹	۳۴۰

• عملیات پدافند از سکوهای نفتی

رژیم بعثی در ادامه جنگ تحمیلی همواره تلاش خود را در جهت حمله به خطوط مواصلاتی و همچنین سکوهای نفتی گسترش می‌داد. لذا نیروی دریایی با توجه به اهمیت حیاتی سکوهای نفتی و جزایر صادرکننده نفت و تأثیر آن بر ادامه جنگ، علاوه بر استقرار یگان‌های پدافندی خود در مناطق مذکور، دفاع از جزایر و پایانه‌های صادرات نفتی را در مقابل حملات دشمن بر عهده گرفت. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران توانست در عملیات پدافندی خود چندین فروند هواپیمای رژیم بعثی را که قصد تجاوز به این مناطق را داشتند منهدم کند و امنیت را در این مناطق برای بارگیری نفت‌کش‌ها برقرار کند. علاوه بر این در طول دوران جنگ تحمیلی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با استقرار تفنگداران و تکاوران دریایی در سکوهای نفتی و جزایر راهبردی ابوموسی، تنب، سیری، لاوان و...، اجازه تعرض به این مناطق را به دشمن نداد (مرین‌پرس، ۱۳۹۹، کدخبر ۱۳۹۰۵).

• سقوط بهای نفت پس از عملیات فاو

ایران در ابتدای سال ۱۹۸۶ با مشکل تازه‌ای در درآمدهای نفتی روبرو شد. بهای نفت در ماه‌های نخست سال ۱۹۸۶، از ۲۸ دلار به ۱۴ دلار سقوط کرد. به نوشته نشریه میدل ایست اکونومیست، پس از تسخیر بندر عراقی فاو به دست نیروهای ایران، عربستان که تا قبل آن بر اساس سهمیه تعیین شده روزانه ۴/۳۵ میلیون بشکه نفت خام تولید می‌کرد، ناگهان تولید نفت خود را به شش میلیون بشکه در روز افزایش داد. منابع آگاه غرب، ایران را بزرگ‌ترین

متضرر سقوط قیمت نفت اعلام کردند. زیرا عراق زیان‌های وارد شده را از طریق افزایش تولید جبران کرد. بر پایه برآوردها در این سال، در برابر ۴۵ درصد کاهش درآمد ارزی ایران، عراق تنها ۸ درصد کاهش درآمد را تجربه نمود (میر ترابی ۱۳۹۰: ۳۹).

• تأثیر جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی از بعد نظامی

۱) حمله میراژ عراقی به فریگت آمریکایی استارک

در مورخه ۱۷ می ۱۹۸۷ یک فروند فریگت موشک‌انداز آمریکایی که مشغول گشت دریایی در آب‌های بین‌المللی و در فاصله ۸۰ مایلی شمال کشور بحرین بود. مورد حمله یک فروند میراژ عراقی مجهز به دو موشک اگزوست فرانسوی از فاصله‌های ۲۲ مایلی و ۱۵ مایلی قرار گرفت. پیش از حمله یک فروند هواپیمای هشدار اولیه^۱ آمریکا که مشغول گشت زنی بر روی عربستان بود اطلاعات مربوط به یک فروند میراژ عراقی که در حال گشت بر روی خلیج فارس بود را به فریگت استارک مخابره نمود. اما با توجه به عدم وجود شواهدی در جهت احتمال هرگونه تهدیدی از طرف هواپیمای عراقی، اقدام قابل توجه دفاعی در این زمینه صورت نگرفت. لازم به ذکر است بر اساس دستورالعمل‌های تاکتیکی بهترین دفاع در مقابل موشک پرتاب‌شده توسط دشمن، حمله به سکوی پرتاب‌کننده است. اما اگر فرمانده ناو در فاصله ۳۰ مایلی میراژ فرانسوی را سرنگون می‌کرد یقیناً مورد بازخواست قرار می‌گرفت. ناو استارک در این درگیری، آسیب جدی دیده و بیش از یک‌پنجم کارکنان خود را (۳۷ نفر) از دست داد. دو روز پس‌ازاین حادثه رئیس‌جمهور آمریکا (رونالد ریگان) ایران را به علت عدم مذاکره به‌منظور پایان عدم مذاکره در پایان این جنگ پرهزینه، متهم نمود و در حقیقت حمله به ناو استارک موجب حضور بیشتر نیروهای آمریکایی در منطقه و افزایش سرعت در طرح‌ریزی اسکورت جهت نفت‌کش‌های کوییتی گردید.

^۱ Airborne Warning and Control aircraft (AWACS)



شکل (۳) فریگت استارک پس از حمله میراژ عراقی

۲) تشدید جنگ نفت کش‌ها و آغاز اسکورت نفت کش‌های کویتی

پس از تشدید جنگ نفت کش‌ها، به‌خصوص حمله سال ۱۹۸۴ هواپیمای جنگنده عراقی به وسیله موشک اگزوست به نفت کش یونانی فیلیکون و افزایش حمله به کشتی‌های ایرانی و همچنین کشتی‌های بی‌طرف، ایران نیز اقدام به حملات تلافی جویانه به کشتی‌های عراقی و حامیان مالی آن‌ها مانند عربستان و کویت نمود و در سال ۱۹۸۷ نیز نیروی دریایی سپاه با بهره‌گیری از قایق‌های تندرو به این حملات شدت بخشید. لذا با تشدید جنگ نفت کش‌ها نیروهای فرا منطقه‌ای حاضر در خلیج فارس شامل آمریکا و شوروی سابق، تصمیم به اسکورت و تغییر پرچم بیش از نیمی از ۲۲ فروند کشتی نفت کش، متعلق به شرکت دولتی کویت و حضور بیشتر نیروهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس گردید. (Lee, 2010: 5)

۳) اسکورت نفت کش کویتی با پرچم آمریکا (عملیات ارنست ویل)^۱

در مورخه ۲۱ جولای ۱۹۸۷ نیروهای آمریکایی مستقر در فرماندهی مرکزی آمریکا در خلیج فارس دستور آغاز عملیات اسکورت دو فروند کشتی نفت کش به نام بریجستون (با ظرفیت حمل بیش از ۳ میلیون بشکه نفت خام) و کشتی Gas Prince را از ۱۳ مایلی بندر خور فکان در دریای عمان به سمت کویت دریافت نمودند. در این عملیات اسکورت، ۳ کشتی نظامی شامل یک فروند رزم‌ناو (USS Fox) یک فروند ناوشکن (USS Kidd) و

^۱ Earnest Will.

یک فروند فریگت آمریکایی به نام (USS Crommelin) در نظر گرفته شده بود همچنین افسران رابطی نیز بر روی شناور تجاری به منظور هماهنگی در اجرای عملیات مستقر گردیدند.



شکل (۴) عملیات اسکورت کشتی بریجستون توسط یگان‌های رزمی نیروی دریایی آمریکا

پس از آغاز عملیات اسکورت بیشترین نگرانی از وجود سایت‌های موشک کرم ابریشم در خاک ایران و همچنین در جزایر مشرف به خلیج فارس وجود داشت. لذا واحدهای اسکورت با آمادگی کامل به اجرای مأموریت پرداختند. در طول ورود به تنگه هرمز ۴ فروند هواپیمای F4 ایرانی اقدام به پرواز از فرودگاه نزدیک بندرعباس به سمت تنگه هرمز و در ارتفاع ده هزار پایی نمودند که در فاصله ۶۰ مایلی، وضعیت خود را به سمت یگان‌های شناور مورد اسکورت تغییر دادند در این وضعیت رزم‌ناو فاکس اقدام به ارسال اخطار رادیویی در این زمینه نمود و با توجه به اینکه جوابی دریافت نمود. در فاصله ۴۰ مایلی اقدام به قفل راداری بر روی اهداف با رادار کنترل آتش خود نمود و در این حالت هواپیماهای جنگنده اقدام به تغییر مسیر و بازگشت به فرودگاه مبدأ نمودند. در طول مسیر حرکت، کاروان از کنار جزیره ابوموسی عبور نمود و این در حالی بود که جزیره ابوموسی مرکز استقرار قایق‌های تندرو بود. همچنین به علت آبخور زیاد یگان اسکورت، نفت‌کش بریجستون از فاصله ۱۴ مایلی جزیره و ناوهای اسکورت در فاصله ۲۲ مایلی از جزیره حرکت می‌کردند. در این مرحله کلیه ناوهای اسکورت در آمادگی کامل قرار داشتند اما

درگیری مشاهده نشد. همان‌گونه که کاروان به مسیر خود به سمت داخل خلیج فارس ادامه می‌داد در مورخه پنج‌شنبه ۲۳ جولای ۱۹۸۷، مقامات ایران طبق یک اعلامیه رسمی بیان نمودند که کشتی تغییر پرچم داده شده حاوی مواد ممنوعه به‌منظور پشتیبانی کشور عراق است. فرمانده کاروان دریایی (دریادار برن سن^۱) پس از شنیدن اعلامیه دریایی به خبرنگاران اعلام نمود که در حال حاضر ما از برد موشک‌های کرم ابریشم بدون سانحه‌ای عبور کرده‌ایم و همان‌گونه که پیش‌بینی می‌کردم تاکنون هیچ درگیری در جهت حفاظت از کاروان نداشته‌ایم. در شب مورخه ۲۴ جولای هواپیماهای شناسایی امریکا، حرکات شناورهای کوچک را در حوالی جزیره فارسی گزارش کردند و به نظر می‌رسید که ایران قصد حمله شبانه به نفت‌کش را به وسیله قایق‌های تندرو دارد. لذا فرمانده کاروان اسکورت دستور داد که به‌منظور مقابله با قایق‌های تندرو، کاروان تا طلوع خورشید در حوالی بحرین توقف نماید. پس از روشنایی صبح گاهی، کاروان با آمادگی کامل (بیش از ۱۰۰۰ ملوان در ۳ ناو جنگی) به حرکت خود به سمت کویت ادامه داد. که در فاصله ۱۸ مایلی غرب جزیره فارسی و حدود ۸۰ مایلی کویت، کشتی بریجستون به مین برخورد کرد و حفره‌ای به ابعاد ۳۰*۱۵ فوت در بدنه بریجستون ایجاد شد و موجب آب‌گرفتگی کامل ۴ کامپارتمان از ۳۱ کامپارتمان کشتی گردید اما ۲۷ کامپارتمان باقیمانده کاملاً خشک بوده و بویانسی موردنیاز برای شناور ماندن کشتی را فراهم نمود (Lee, 2010: 5). اجرای موفقیت‌آمیز انهدام نفت‌کش بریجستون با وجود تبلیغات گسترده آمریکا و حضور سه فروند واحد شناور پیشرفته در محل حادثه موجب ضربه سنگینی به ابهت آمریکا در خلیج فارس شد. اما از نتایج این حادثه را نیز می‌توان به حضور گسترده ناوهای آمریکایی در خلیج فارس و تغییر سیاست‌های نظامی آن‌ها در مقابله با تهدیدات زیرآبی و مقابله با مین‌های دریایی بیان نمود.

^۱ Admiral Bernsen



شکل (۵) مسیر اسکورت نفت‌کش کویتی با پرچم آمریکا با عنوان عملیات ارنست ویل (Rourke, 1988, 45)

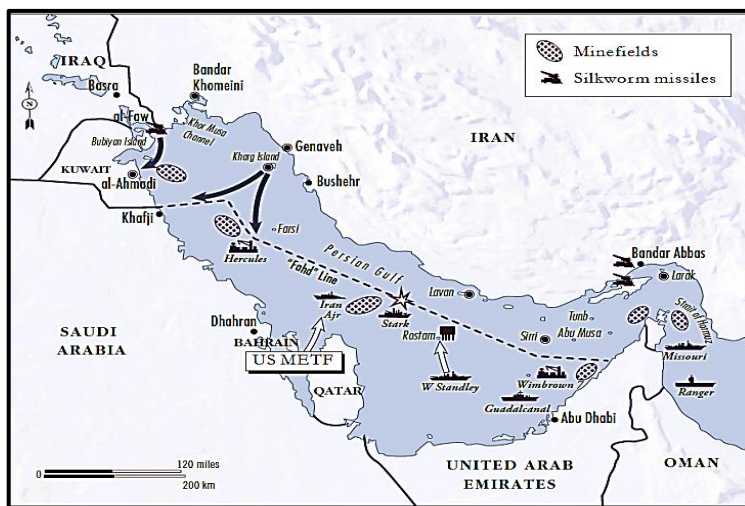
۴) اعزام گسترده نیروهای فرا منطقه‌ای به خلیج فارس و تلاش در جهت ائتلاف سازی علیه جمهوری اسلامی ایران

پس از حادثه نفت‌کش بریجستون، با وجود اینکه ایران عملیات مین‌گذاری در خلیج فارس را انکار می‌نمود. ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده بود که در آینده نزدیک، احتمال درگیری با ایران زیاد خواهد بود لذا به ناو هواپیمابر Constellation که در حال بازگشت به آمریکا بود دستور داده شد تا به همراه ناو هواپیمابر Ranger در دریای عمان مستقر گردد. لازم به ذکر است که تعداد جنگنده‌های این دو ناو هواپیمابر برابر ۱۷۰ فروند و بیشتر از تعداد هواپیماهای جنگنده‌ای بود که ایران می‌توانست از تمامی پایگاه‌های خود به پرواز درآورد. همچنین به رزم‌ناو سنگین می‌سوری با قدرت آتش زیاد شامل ۳۲ فروند موشک تامهاک و توپخانه دریایی با برد بیش از ۳۰ کیلومتر (عرشه این ناو محل تسلیم رسمی ژاپن در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ است) دستور آمادگی جهت اعزام به خلیج فارس داده شد. در این زمان نیروی دریایی آمریکا دارای ۵۰ فروند واحد شناور نظامی در منطقه بود. همچنین ایالات متحده آمریکا با ایجاد فضای رسانه‌ای به تلاش در جهت تشکیل ائتلاف علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدید کننده امنیت خلیج فارس پرداخته به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۷ نیروی دریایی فرانسه، انگلیس، بلژیک، هلند و ایتالیا دارای بیش از ۲۳ فروند واحد نظامی در منطقه خلیج فارس بودند (Razoux, 2015: 421). نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ۴ فروند فریگت، دو فروند کروت،

تعدادی کشتی پشتیبانی و ۱۰ فروند ناوچه مو شک انداز بود و سپاه پاسداران ایران نیز از تعدادی قایق تندرو (حدود ۶۰ فروند) و تعداد محدودی بالگرد و هواپیمای آموزشی PC-7 که از سوئیس تحویل گرفته بود و تنها می توانست به عنوان حمله مستقیم به واحدهای شناور (عملیات انتحاری) استفاده شود برخوردار بود. آمریکا در اولین اقدام و در عملیاتی با عنوان شانس اول^۱ تصمیم گرفت با توجه به اینکه در آن زمان عربستان سعودی و کویت اجازه تأسیس پایگاه آمریکایی را در خاک کشورشان نمی دادند، مشابه نیروهای ایران در منطقه وارد عمل گردند و با بهره گیری از دو سکوی مجهز پرتابل دریایی و استقرار بالگرد و تجهیزات بر روی آن، فعالیت های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحت نظر قرار داده و هرگونه اقدام به مین گذاری را شناسایی و خنثی نمایند. این دو سکوی عظیم تجاری به نام Hercules و Wimbrown7 در شمال خلیج فارس بین جزیره فارسی و آب های ساحلی عربستان سعودی و سکوی دوم در نزدیکی سواحل امارات متحده عربی در ۳۰ کیلومتری جزایر ابوموسی و سیری مستقر گردیدند. در این سکوها امکانات پیشرفته جنگ الکترونیک، دوربین های دید در شب و بالگردهای باقابلیت پرواز در شب^۲ به همراه نیروهای ویژه تکاوران دریایی آمریکا مستقر گردیدند (Razoux, 2015: 421).

^۱ Operation Prime Chance

^۲ One Black Hawk transport helicopter and two AH-6 Cayuse attack helicopters.



شکل (۶) نحوه استقرار واحدهای شناور آمریکایی و دو سکوی مجهز پرتابل دریایی در مجاورت جزایر ایرانی

هم‌زمان نیروهای آمریکایی با بهره‌گیری از ماهواره‌ها و هواپیماهای جاسوسی به رصد فعالیت‌های ایران در خلیج فارس و کشف شناورهای مین‌گذار و خنثی‌سازی میدان‌های مین با کمک کشورهایمانند فرانسه و انگلستان، بلژیک، هلند و ایتالیا پرداختند. در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷ کشتی پشتیبانی ایران اجر که از بندرعباس به سمت پایانه سیری در حرکت بود. به وسیله یگان‌های شناسایی آمریکا مورد رصد قرار گرفت و در ادامه کشتی مذکور مسیر خود را به سمت آب‌های بین‌المللی تغییر داد و در محدوده ۵۰ مایلی شمال بحرین اقدام به مین‌گذاری دریایی نمود که توسط دوربین‌های دید در شب مشاهده و ضبط گردید. لذا نیروی دریایی آمریکا با بهره‌گیری از بالگرد و نیروهای ویژه به کشتی مذکور حمله کرد و در این حمله ۶ نفر از کارکنان ایران اجر به شهادت رسیده و ۲۶ نفر به اسارت نیروهای آمریکایی درآمدند (Razoux, 2015: 421). در ادامه درگیری‌های نیروی دریایی آمریکا با نیروهای نظامی ایران در مورخه ۸ اکتبر ۱۹۸۷ نیز تعداد دو فروند بالگرد که از سکوی متحرک هرکولس در نزدیکی جزیره فارسی پرواز کرده بودند به سه فروند قایق سپاه که در حال گشت زنی بودند حمله کرده و موجب غرق شدن یک فروند و آسیب دیدن دو فروند دیگر گردیدند. یک روز پس از این حادثه ایران اقدام به حمله به یک تانکر مستقر در پایانه

نفتی الاحمدی کویت با مو شک کرم ابریشم نمود که موجب آسیب شدید به یک کشتی نفت کش با پرچم آمریکا گردید. در ادامه درگیری‌ها آمریکا در مورخه ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ اقدام به اجرای عملیاتی به نام کماندار زیرک^۱ نمود و بدون دلیل موجهی اقدام به حمله به پایانه نفتی رستمی در ۷۰ کیلومتری جنوب پایانه لاوان نمود و نیروهای ویژه آمریکایی^۲ با استقرار بر روی این سکو اقدام به تخریب تجهیزات آن نمودند. لازم به ذکر است که در سال‌های بعد جمهوری اسلامی ایران به حمله نیروهای آمریکایی به سکوها نفتی به عنوان نقض آشکار قوانین بین‌المللی به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت نمود و دیوان مذکور نیز ادعای نیروهای آمریکایی را که علت حمله را دفاع از منافع ایالات متحده آمریکا اعلام کرده بودند به علت ماهیت تجاری سکوها مذکور، مردود اعلام نمودند اما هم‌زمان آمریکا را نیز از پرداخت خسارت به ایران معاف دانستند (Judgment, 2003, 61).

۴) نقش عملیات مین‌گذاری در آب‌های بین‌المللی و گسترش جبهه درگیری در خلیج فارس در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ فریگت آمریکایی ساموئل رابرتز درحالی‌که در حال انجام عملیات اسکورت کاروان نفت کش در حوالی بحرین بود به علت انفجار مین دریایی دچار آسیب شدید گردید و حفره‌هایی به ابعاد تقریبی ۸ متر در قسمت پاشنه فریگت ایجاد گردید. اما در این حادثه هیچ‌یک از کارکنان کشته نشدند و با واکنش مناسب فرمانده فریگت، تعادل کشتی حفظ گردید و پس از یک شدن به بندر بحرین، به منظور انجام تعمیرات اساسی، به وسیله یک شناور پشتیبانی به آمریکا انتقال داده شد. پس از این حادثه گروهی از تیم‌های بازیافت و خنثی‌سازی مین‌های دریایی به محل اعزام گردیدند و در نزدیکی محل برخورد، مین دیگری کشف و خنثی‌سازی گردید که دارای شماره سریالی مشابه سریال‌های مین‌های دریایی کشف شده در شناور ایران اجر بود. لذا آمریکا سریعاً تصمیم به پاسخگویی به این اقدام تحریک‌آمیز گرفت و مشاور امنیت ملی آمریکا، ژنرال کالین پاول پیشنهاد حمله به دو سکوی نفتی ایران که مقر نیروهای سپاه ایران بود را بیان نمود که مورد موافقت رئیس‌جمهور وقت، ریگان قرار گرفت (Razoux, 2015: 440).

^۱ Operation Nimble Archer

^۲ Navy Seal

۵) درگیری مستقیم دو کشور با حمله نیروهای آمریکایی به تأسیسات نفتی

در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ نیروی دریایی آمریکا عملیات خود را علیه سکوها‌های نفتی ایران آغاز نمود.^۱ در این عملیات ۱۵ فروند واحد شناور به ۴ نیروی رزمی به شرح ذیل تقسیم گردیدند:

۱) اولین نیروی رزمی تحت کنترل ناو هواپیمابر اینترپرایز به منظور پشتیبانی هوایی

عملیات، در دریای عمان و نزدیک به تنگه هرمز مستقر گردید

۲) دومین نیروی رزمی شامل شناور هجومی آب‌خاکی Trenton و به منظور تهاجم

به دو سکوی نفتی ایران

۳) سومین نیروی رزمی به فرماندهی رزم‌ناو Wainwright و به منظور حمله به

دیگر سکوها‌های نفتی

۴) چهارمین نیروی رزمی شامل دو ناوشکن و یک فروند فریگت به منظور دفع

هرگونه مداخله از طرف شناورهای مستقر در بندرعباس

در ساعت ۰۹۰۰ صبح ناو Trenton تحت اسکورت دو ناوشکن به حوالی سکوی نفتی

ساسان در ۸۰ کیلومتری جنوب پایانه لاوان رسیدند و پس از اخطار اولیه در ساعت ۰۹۲۰

اقدام به بمباران سکوی نفتی و سپس انهدام باقیمانده تجهیزات سکو با بهره‌گیری از

تفنگداران دریایی و نصب مواد منفجره نمودند. گروه رزمی دیگر به سرپرستی رزم‌ناو

Wainwright تلاش نمودند که با اخطار قبلی اقدام مشابهی را بر روی سکوی ناصر در

۴۰ مایلی پایانه سیری انجام دهند. اما تعدادی از محافظان سکوها‌های نفتی با نهایت شجاعت

در سکو باقی ماندند و پس از بمباران شدید سکوها‌های نفتی، تعدادی از آن‌ها شهید و

زخمی گردیدند و هنگامی که نیروهای ویژه آمریکا به همراه بالگرد به سکو نزدیک

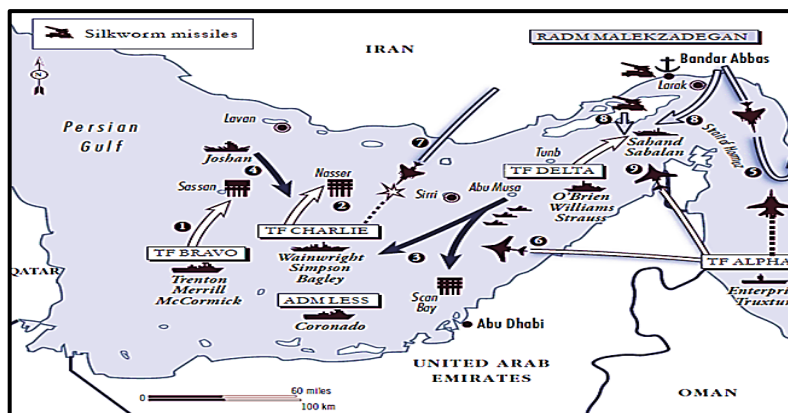
می‌شدند، نیروهای باقیمانده با سلاح‌های در دسترس و توپ ۲۳ میلی‌متری اقدام به آتش به

سمت نیروهای آمریکایی نمودند و موجب سقوط یک فروند بالگرد کبری در مجاورت

سکوی نفتی گردیدند، در این زمان سایر شناورهای رزمی نیز از منطقه فاصله گرفته و اقدام

^۱ Praying Mantis

به بمباردمان مجدد سکوی نفتی بدون تلاش در جهت تسخیر مجدد سکوی نفتی نصر نمودند (Razoux, 2015: 446).



شکل (۷) حمله نیروهای آمریکایی به تأسیسات نفتی و یگان‌های شناور نیروی دریایی

در ساعت ۱۳۰۰ ناو موشک‌انداز جوشن که با عملکردی شجاعانه در حوالی سکوی نفتی ناصر مستقر گردیده بود مورد هجوم ۴ موشک هارپون از رزم‌ناو آمریکایی Wainwright و دو فریگت همراه قرار گرفت که ۳ موشک به صورت مستقیم به ناو جوشن برخورد کرد و ناو جوشن به همراه کارکنان خود در بستر خلیج فارس آرام گرفتند. نیروی هوایی ایران در این زمان نسبت به اعزام ۵ فروند هواپیمای فانتوم به سمت ناو هواپیمابر اقدام نمود که هواپیماهای اخطار اولیه^۱ مسیر آن‌ها را شناسایی و ناو هواپیمابر نیز جنگنده‌های نبرد هوایی را به سمت آن‌ها اعزام کرد، که هواپیماهای فانتوم با مواجه‌شدن با وضعیت موجود به سمت پایگاه هوایی بندرعباس مراجعت نمودند. دو هواپیمای فانتوم دیگر نیز به سمت رزم‌ناو Wainwright حرکت نمودند که رادار کنترل آتش رزم‌ناو بر روی این دو هواپیما قفل نموده و به آن‌ها دستور بازگشت داد اما این دو هواپیما به مسیر خود ادامه دادند لیکن رزم‌ناو آمریکایی دو موشک استاندارد به سمت آن‌ها شلیک نمود که هر دو هواپیما به سرعت اقدام به مانور نمودند اما یکی از هواپیماها به علت انفجار موشک به سختی آسیب دید و با یک موتور و در وضعیت اضطراری در فرودگاه بندرعباس به زمین نشست. در

^۱ Hawkeye surveillance plane

ساعت ۱۶۰۰ فریگت سه‌ند به صحنه درگیری وارد گردید و ناو هواپیمابر نسبت به اعزام ۴ فروند هواپیمای جنگنده Intruders به سمت آن اقدام نمود که فریگت سه‌ند به منظور دفاع از خود نسبت به شلیک ۳ فروند موشک سطح به هوا اقدام نمود که هواپیماهای مذکور به وسیله فلر توانستند موشک‌های مذکور را منحرف نمایند. سپس ناوشکن آمریکایی Josep Strauss اقدام به شلیک یک فروند موشک هارپون و هواپیماهای جنگنده نسبت به شلیک ۴ فروند بمب هدایت‌لیزری به سمت فریگت سه‌ند اقدام نمودند که موجب آسیب شدید و درنهایت غرق شدن فریگت سه‌ند در خلیج فارس گردید. در این زمان ایران با پرتاب ۵ فروند موشک ساحل به دریای کرم ابری شم از جزیره قشم، تلاش نمود که ناوشکن‌های آمریکایی و فریگت موجود در صحنه عملیات^۱ را درگیر نماید اما ناوهای مذکور با بهره‌گیری از سیستم فالانکس موفق به انهدام موشک‌های مذکور گردیدند و در حوالی غروب آفتاب فریگت سبلان نیز که برای کمک به شناورهای آسیب‌دیده اعزام شده بود توسط دو فروند بمب لیزری مورد هجوم قرار گرفت که متحمل آسیب شدید شد، و درنهایت باتدبیر مناسب فرمانده و مهارت کارکنان، ناو مذکور به بندرعباس یک‌گردیده و مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفت. در تمامی عملیات مذکور نیروهای آمریکایی از برتری کامل هوایی و سیستم ارتباطی و کنترل فرماندهی هم‌زمان با صحنه واقعی عملیات برخوردار بودند به گونه‌ای که تمامی درخواست‌ها به صورت مستقیم به مرکز فرماندهی آمریکا در ایالت فلوریدا و سپس به وزارت دفاع در پنتاگون و درنهایت به مشاور امنیت ملی و رئیس‌جمهور آمریکا منتقل می‌گردید (Razoux, 2015: 448).

۶) نبرد همه‌جانبه در مرزهای زمینی

نیروهای عراقی با بهره‌گیری از فرصت استثنایی ایجاد شده در اثر جنگ نفت‌کش‌ها و درگیری نیروهای ایرانی با نیروهای فرامطقه‌ای هم‌زمان حمله همه‌جانبه‌ای را به شبه جزیره فاو آغاز کردند. و با بهره‌گیری از نیروهای ویژه گارد ریاست جمهوری و بهره‌گیری از سلاح‌های شیمیایی موفق به بازپس‌گیری فاو در مدت کوتاهی کمتر از ۴۸

¹¹ Destroyer Joseph Strauss, frigate Williams

ساعت گردیدند. این عملیات سبب شکست ایران و عقب‌نشینی کامل نیروهای ایرانی از شبه‌جزیره‌ای شد که در دو سال گذشته تحت اشغال کامل ایران قرار داشت. سقوط شبه‌جزیره استراتژیک فاو و پیرو آن پیروزی‌های پشت سرهم نیروهای عراقی، روند تحولات جنگ را به گونه ای ناگهانی و غافلگیرانه، به زیان ایران و به سود عراق تغییر داد و با توجه به ک‌شیده شدن جبهه دوم جنگ به خلیج فارس و مشکلات مالی مربوط به تأمین هزینه‌های جنگ، راهی غیر از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تنها سه ماه پس از آغاز جبهه دوم درگیری در خلیج فارس با نیروهای فرا منطقه‌ای برای ایران باقی نماند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، این پژوهش از نوع کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی با رویکرد آمیخته انطباق دارد. برای انجام این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. برای این کار، جهت جمع‌آوری ادبیات موضوع، مطالعه اسناد و مدارک وسیعی به صورت موثق انجام شد و سایر اطلاعات موردنیاز از طریق جستجوی کتابخانه‌ای، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. همچنین در روش میدانی نیز عمده اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تعداد ۵۵ نفر از معاونین، فرماندهان و مدیران شاغل و بازنشسته نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا و شرکت ملی نفت کش ج.ا.ا که سابقه حضور در طرح ریزی و عملیات اسکورت یگان‌های نفت کش زمان جنگ تحمیلی داشته‌اند، شناسایی شده می‌باشند. به طوری که در این پژوهش حجم نمونه به صورت تمام شمار در نظر گرفته شده است.

تجزیه و تحلیل

الف) تجزیه و تحلیل کمی

به منظور شناسایی ویژگی‌های فردی اعضای جامعه نمونه تعداد ۴ سؤال در خصوص میزان تحصیلات، سنوات خدمتی، جایگاه سازمانی، و مشاغل خدمتی مطرح شد که پس از تکمیل توسط جامعه نمونه نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد:

- توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش از نظر میزان تحصیلات نشان می‌دهد که طبق داده‌های موجود ۷۲/۷۲ درصد کارشناسی، ۲۰ درصد آن‌ها کارشناسی ارشد و ۷/۲۷ درصد دکترا بوده‌اند.
- توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش از نظر سن خدمتی نشان می‌دهد که طبق داده‌های موجود ۱۸/۱۸ درصد نمونه‌ها بین ۲۶ تا ۲۸ سال، ۴۱/۸۱ درصد بین ۲۸ تا ۳۰ سال، ۴۰ درصد بیشتر از ۳۰ سال سن خدمتی داشتند.
- توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش از نظر مسئولیت سازمانی نشان می‌دهد که طبق داده‌های موجود ۷۰/۹۰ درصد از نمونه‌ها دارای مسئولیت فرماندهی، ۲۱/۸۱ درصد دارای مسئولیت مدیر میانی، ۳/۶۳ درصد دارای مسئولیت مدیر ارشد و ۳/۶۶ درصد دارای مسئولیت معاون بودند.
- توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش از نظر مشاغل خدمتی نشان می‌دهد که طبق داده‌های موجود ۲۱/۸۱ درصد از نمونه‌ها دارای مشاغل عملیاتی، ۲۷/۲۹ درصد دارای مشاغل ستادی، ۴۰ درصد دارای مشاغل عملیاتی-ستادی و ۱۰/۹۰ درصد دارای مشاغل مدیریتی بودند.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای توزیع طبیعی داده‌ها

P	Z	شاخص
۰/۳۷	۰/۹۱	سؤال ۱- نقش نیروی هوایی عراق در نبود نیروی دریایی قدرتمند، در جنگ نفت‌کشها و در سرنوشت جنگ تحمیلی
۰/۵۳	۰/۸۰	سؤال ۲- نقش جنگ نفت‌کش‌ها در افزایش حضور نیروهای فرا منطقه‌ای و در نهایت سرنوشت جنگ تحمیلی
۰/۰۶	۱/۳۰	سؤال ۳- نقش اقدامات تحریک‌آمیز عراق در جهت افزایش حضور نیروهای نظامی در منطقه و در سرنوشت جنگ تحمیلی
۰/۹۸	۰/۴۴	سؤال ۴- نقش تشدید جنگ نفت‌کش‌ها و ایجاد جبهه جدید نظامی در خلیج فارس
۰/۳۱	۰/۳۸	نظامی

۰/۴۶	۰/۷۵	سؤال ۵- نقش افزایش فشار اقتصادی با حمله به نفت کش ها در سرنوشت جنگ تحمیلی.
۰/۴۹	۰/۸۷	سؤال ۶- نقش گسترش حمله به خطوط مواصلاتی و افزایش هزینه صادرات در سرنوشت جنگ تحمیلی.
۰/۱۳	۰/۲۳	اقتصادی
۰/۴۳	۰/۶۲	سؤال ۷- نقش جنگ نفت کش ها در جهت افزایش تنش در منطقه و در سرنوشت جنگ تحمیلی
۰/۸۵	۰/۴۹	سؤال ۸- نقش بهره گیری از جنگ نفت کش ها در جهت افزایش حضور نیروهای فرا منطقه ای در خلیج فارس و در سرنوشت جنگ تحمیلی.
۰/۴۳	۰/۴۵	سؤال ۹- نقش عملیات مین گذاری در آب های بین المللی و افزایش حضور نیروهای فرا منطقه ای در خلیج فارس در سرنوشت جنگ تحمیلی.
۰/۶۴	۰/۵۴	ائتلاف سازی

جدول شماره ۹: شاخصه های توصیفی متغیرهای پژوهش (میانگین، انحراف معیار، میانگین انحراف معیار)

شاخص متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
تحصیلات	۵۵	۳/۲۹۱	٪۲۲۷	٪۱۳۱
سن خدمتی	۵۵	۳/۴۱۷	٪۸۵۴	٪۱۵۳
مسئولیت	۵۵	۳/۱۷۴	٪۶۳۴	٪۱۱۵
مشاغل خدمتی	۵۵	۳/۳۲۴	٪۵۶۴	٪۱۱۹

فرض صفر: به نظر می رسد جنگ نفت کش ها از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی بوده است.

فرض یک: به نظر می رسد جنگ نفت کش ها از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی نبوده است.

جدول شماره ۱۰: تحلیل میزان مقدار آماره T متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Test Value=۲		
				T	درجه آزادی	سطح معناداری
سؤال ۱	۵۵	۳/۰۹	۱/۰۵	۱/۳۴۳	۵۴	٪۰۹
سؤال ۲	۵۵	۳/۱۸	۱/۱۷	۱/۳۴۵	۵۴	٪۰۷
سؤال ۳	۵۵	۳/۱۸	۱/۰۳	۱/۴۰۱	۵۴	٪۰۶
سؤال ۴	۵۵	۲/۶۱	۱/۰۶	۱/۳۴۴	۵۴	٪۰۷
نظامی	۵۵	۳/۳۹	۱/۱۶	۱/۵۴۳	۵۴	٪۰۸
سؤال ۵	۵۵	۳/۱۰	۱/۰۴	۱/۳۲۱	۵۴	٪۰۹
سؤال ۶	۵۵	۳/۴۱	۱/۱۲	۱/۳۴۵	۵۴	٪۰۶
اقتصادی	۵۵	۳/۰۲	۱/۱۷	۱/۵۴۶	۵۴	٪۰۷
سؤال ۷	۵۵	۲/۷۶	۱/۴۰	۱/۴۳۲	۵۴	٪۰۶
سؤال ۸	۵۵	۳/۲۳	۱/۱۶	۱/۳۲۳	۵۴	٪۰۶
سؤال ۹	۵۵	۳/۱۲	۱/۱۱	۱/۳۱۵	۵۴	٪۰۷
اتلاف‌سازی	۵۵	۲/۸۹	۱/۲۴	۱/۳۲۲	۵۴	٪۰۶

با توجه به اطلاعات جدول بالا میانگین، انحراف معیار، مقدار t ، درجه آزادی و سطح معناداری هر متغیری مشخص است. جهت بررسی مقایسه میزان تأثیر متغیرهای پژوهش با میانگین آماری (۳، ۱۲، ۹ و ۶) از آزمون t تک گروهی استفاده گردید. در صورتی که میزان t مثبت و معنادار باشد نشان‌دهنده بالا بودن میزان متغیرهای پژوهش است و در صورتی که مقدار t منفی و معنادار باشد نشان‌دهنده پایین بودن میزان متغیرهای پژوهش است و غیر معنادار بودن آماره t به معنای حد متوسط میزان متغیرهای پژوهش است. لذا با در نظر گرفتن فرض صفر تحقیق که بیان می‌دارد به نظر می‌رسد جنگ نفت‌کش‌ها از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی بوده است به بررسی شاخص‌های تحقیق می‌پردازیم.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان بیان نمود که از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده (۱/۳۴۳) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین

فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش نیروی هوایی عراق در نبود نیروی دریایی قدرتمند در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($۱/۳۴۵$) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش جنگ نفت‌کش‌ها در افزایش حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و در نهایت سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($۱/۴۰۱$) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش اقدامات تحریک‌آمیز عراق در منطقه خلیج فارس و در جهت افزایش حضور نیروهای نظامی در منطقه، در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($۱/۳۴۴$) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش تشدید جنگ نفت‌کش‌ها و ایجاد جبهه جدید نظامی در خلیج فارس در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($۱/۵۴۳$) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش متغیر نظامی در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($۱/۳۲۱$) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین

فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش افزایش فشار اقتصادی با حمله به نفت‌کش‌ها در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($1/345$) با درجات آزادی 54 معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش گسترش حمله به خطوط مواصلاتی و افزایش هزینه صادرات در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.
- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($1/546$) با درجات آزادی 54 معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش متغیر اقتصادی در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.
- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($1/432$) با درجات آزادی 54 معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش جنگ نفت‌کش‌ها در جهت افزایش تنش در منطقه در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.
- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($1/323$) با درجات آزادی 54 معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش بهره‌گیری از جنگ نفت‌کش‌ها در جهت افزایش حضور نیروهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس و در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.
- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($1/315$) با درجات آزادی 54 معنادار است ($p > 0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش عملیات مین‌گذاری در آب‌های بین‌المللی و حضور بیشتر نیروهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

- با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت از آنجایی که مقدار آماره t مشاهده‌شده ($1/322$) با درجات آزادی ۵۴ معنادار است ($p>0.05$) بنابراین فرض صفر قبول است و می‌توان نتیجه گرفت که نقش متغیر ائتلاف در سرنوشت جنگ تحمیلی در حد بالا است.

لذا در نهایت با ذکر فرضیه تحقیق که بیان می‌نمود به نظر می‌رسد جنگ نفت‌کش‌ها از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی بوده است و با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها کمی و سؤالات تحقیق، می‌توان بیان نمود که فرض صفر این تحقیق قابل پذیرش بوده و فرض یک تأیید نمی‌گردد.

(ب) تجزیه و تحلیل کیفی

بر اساس مطالعه منابع انجام شده از اسناد، مدارک، کتب و مقالات مرتبط با موضوع تبیین جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی می‌توان بیان نمود که جنگ نفت‌کش‌ها در ابعاد نظامی، اقتصادی و ایجاد ائتلاف علیه جمهوری اسلامی ایران موجب تأثیرگذاری بر سرنوشت جنگ تحمیلی بوده است. لذا بر اساس تجزیه و تحلیل کیفی انجام شده می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

تأثیر جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی از بعد نظامی

در زمان کوتاهی پس از آغاز جنگ تحمیلی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با اجرای عملیات مروارید در سال ۱۹۸۰ میلادی ضربه سنگینی به نیروی دریایی عراق و صادرات نفت این کشور از خلیج فارس وارد نمود. در حین این عملیات ایران توانسته بود بیش از دوسوم قدرت دریایی دشمن بعثی را منهدم نماید، لذا عراق از همان سال‌های ابتدای جنگ، تلاش گسترده‌ای را در جهت حمله به تأسیسات نفتی و نفت‌کش‌های جمهوری اسلامی ایران در شمال منطقه خلیج فارس با بهره‌گیری از قدرت هوایی نمود که با واکنش مناسب نیروی دریایی در اجرای عملیات اسکورت شناورهای تجاری و پدافند از جزایر و پایانه‌های صادراتی مواجه گردید و نیروی دریایی با تلاش قابل ستایش مانع از قطع خطوط مواصلاتی و کاهش حداکثری آسیب واردشده به شناورهای تجاری شد. نیروی هوایی

عراق نیز از سال ۱۹۸۴ میلادی، اقدام به گسترش قلمرو جنگ نفت‌کش‌ها به مناطق میانی خلیج فارس و افزایش حمله به شناورهای بی‌طرف تجاری و حتی نیروهای فرمانطقه‌ای نمود به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۷ یک فروند ناوشکن آمریکایی به نام استارک نیز مورد حمله میراژهای عراقی در منطقه میانی خلیج فارس و در آب‌های بین‌المللی قرار گرفت. نکته جالب پس از این حمله را می‌توان در سخنان رئیس‌جمهور آمریکا (رونالد ریگان) دانست که ایران را به علت عدم مذاکره به منظور پایان یافتن این جنگ پرهزینه، متهم نمود. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه قصد جلوگیری از حمایت کشورهای حامی مالی کشور عراق در جنگ تحمیلی را داشت از سال ۱۹۸۴ میلادی اقدام به حملاتی به نفت‌کش‌های کشورهایمانند کویت نمود و در نهایت این امر موجب تشکیل جبهه دوم درگیری در خلیج فارس گردید که با درگیری مستقیم با نیروی دریایی آمریکا و حمله به تأسیسات و سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس ادامه یافت در سال ۱۹۸۸ میلادی نیز موجب حمله مستقیم نیروی دریای آمریکا به نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بروز خسارات فراوان گردید.

تأثیر جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی از بعد اقتصادی

پس از عملیات غرورآفرین مروارید که توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۰ میلادی و در کمتر از دو ماه از آغاز جنگ تحمیلی انجام پذیرفت، عراق صادرات نفتی خود را از طریق دریا از دست داد. لذا نیروی هوایی عراق در نبود نیروی دریای کارآمد، اقدام به گسترش حملات به پایانه‌های صادراتی و کشتی‌های نفت‌کش نمود و در ادامه جنگ با دریافت هواپیماهای پیشرفته میراژ و موشک‌های اگزوست، اقدام به گسترش محدوده جغرافیای حملات و همچنین حمله به شناورهای بی‌طرف در منطقه حساس خلیج فارس نمود. جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور افزایش فشار اقتصادی به رژیم بعث، اقدام به انجام حملاتی به نفت‌کش‌های کشورهای حامی مالی رژیم بعث پس از سال ۱۹۸۴ نمود. لذا افزایش حملات به نفت‌کش‌ها با ملیت‌های مختلف و مین‌گذاری در آب‌های خلیج فارس و همچنین حمله به شناورهای نظامی مانند ناوشکن‌های استارک و

حادثه ناو رزمی ساموئل رابرتز موجب افزایش تنش در منطقه و در نهایت درگیری مستقیم با نیروهای آمریکایی شد. نیروهای آمریکایی نیز در چندین مرحله به سکوها و پایانه‌های ایران حمله کرده و این امر موجب کاهش صادرات نفت و فشار شدید اقتصادی در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران گردید.

تأثیر جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی از بعد ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران

از سال ۱۹۸۵ میلادی، ایران شاهد گسترش جنگ نفت‌کش‌ها و افزایش قلمرو جغرافیایی آن به آب‌های خلیج فارس و جزایر ایرانی واقع در این آب‌ها است در این زمان عراق با تجهیز شدن به ناوگان هوایی پیشرفته، تلاش خود را متمرکز بر قطع خطوط مواصلاتی دریایی با حملات مستمر هوایی و گسترش جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس نمود و این حملات به صورت مستمر به صنایع دریایی، پایانه‌ها و همچنین کشتی‌های تجاری ایران و کشورهای بی‌طرف افزایش پیدا می‌کرد که موجب نا امن شدن خطوط کشتیرانی و افزایش هزینه‌ها مانند حق بیمه کشتی‌ها و تحریک حضور هر چه بیشتر قدرت‌های جهانی در منطقه می‌گردید. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از سال ۱۹۸۴ میلادی اقدام به حملات تلافی‌جویانه به کشتی‌های عراقی و حامیان مالی آن‌ها مانند عربستان و کویت نمود. که مجموع عوامل فوق موجب حضور بی سابقه نیروهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس (پس از جنگ دوم جهانی بی‌سابقه بود) گردید. به گونه‌ای که پس از سال ۱۹۸۶ میلادی نیروی دریایی آمریکا دارای ۵۰ فروند واحد شناور نظامی و نیروی دریایی فرانسه، انگلیس، بلژیک، هلند و ایتالیا و شوروی سابق دارای بیش از ۲۳ فروند واحد نظامی در منطقه خلیج فارس بودند.

تجزیه و تحلیل آمیخته

تجزیه و تحلیل و مقایسه نتایج مطالعه اسناد و مدارک و منابع مطالعه شده (تجزیه و تحلیل کیفی) و نیز تجزیه و تحلیل آماری و نتایج حاصله از فرم‌های پرسش‌نامه (تجزیه و تحلیل کمی) در خصوص تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ به خوبی بیانگر این است که ابعاد احصاء شده در مرحله کیفی به درستی مورد توجه قرار گرفته و در مرحله

کمی نیز مورد تأیید واقع شده‌اند. لذا در راستای هدف این مقاله که بررسی و تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی است می‌توان بیان نمود که جنگ نفت‌کش‌ها در بعد اقتصادی موجب فشار اقتصادی بر کشور در جهت تأمین هزینه‌های جنگ تحمیلی و در بعد نظامی موجب حضور گسترده نیروهای نظامی فرا منطقه‌ای در خلیج فارس و همچنین ایجاد ائتلاف بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران و تشکیل جبهه دوم درگیری در خلیج فارس با حضور مستقیم ناوگان نیروی دریایی آمریکا و حمله به تأسیسات و سکوهای نفتی ایران و خسارات فراوان به ناوگان دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس گردید. نیروهای مسلح عراق نیز که هم‌زمان با کمک کشورهای فرا منطقه‌ای به سلاح‌های پیشرفته مجهز گردیده بودند با بهره‌برداری از شرایط مذکور مجدداً حمله به مرزهای زمینی و شبه‌جزیره فاو را آغاز نمودند و توانستند به موفقیت‌های در مرزهای زمینی دست یابند. لذا با در نظر گرفتن موارد فوق، شرایط تحمیل‌شده بر اثر جنگ نفت‌کش‌ها که موجب حضور نیروهای فرا منطقه‌ای، ایجاد جبهه دوم درگیری در جنوب ایران و ایجاد شرایط دشوار اقتصادی که هم‌زمان با کاهش صادرات و بهای نفت ایجاد شده بود، را می‌توان یکی از دلایل مهم تأثیرگذار بر سرنوشت جنگ تحمیلی و پذیرش قطع‌نامه از سوی جمهوری اسلامی ایران دانست.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق فوق که با تجزیه و تحلیل و مقایسه نتایج مطالعه اسناد و مدارک و نیز تجزیه و تحلیل آماری و نتایج حاصله از فرم‌های پرسش‌نامه در خصوص تبیین نقش جنگ نفت‌کش‌ها بر سرنوشت جنگ تحمیلی حاصل گردیده می‌توان بیان نمود که جنگ نفت‌کش‌ها نقش مهمی بر سرنوشت جنگ تحمیلی و در ابعاد نظامی، اقتصادی و ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل داشته است:

- جنگ نفت‌کش‌ها در بعد نظامی که با اقدامات تحریک‌آمیز نیروی هوایی عراق از سال ۱۹۸۱ آغاز گردیده بود موجب حضور گسترده نیروهای فرا منطقه‌ای (قدرت‌های شرقی و غربی) در خلیج فارس گردید. به‌گونه‌ای که در سال

۱۹۸۶ میلادی نیروی دریایی آمریکا و شوروی سابق دارای بیش از ۵۰ واحد شناور رزمی در منطقه خلیج فارس بودند. هم‌زمان با گسترش جنگ نفت‌کش‌ها به مناطق میانی خلیج فارس و افزایش تنش در منطقه، جبهه دوم درگیری نظامی در منطقه خلیج فارس با نیروهای فرا منطقه‌ای ایجاد گردید که موجب خسارات فراوان نظامی و اقتصادی در سال پایانی جنگ تحمیلی شد.

- جنگ نفت‌کش‌ها در بعد اقتصادی که از سال ۱۹۸۱ میلادی در مناطق شمالی و از سال ۱۹۸۴ میلادی به مناطق میانی خلیج فارس گسترش یافت موجب فشار شدید اقتصادی بر دو کشور و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران گردید به‌گونه‌ای که در اثر جنگ نفت‌کش‌ها، افزایش هزینه‌های صادراتی و همچنین کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ میلادی، درآمد نفتی ایران به میزان ۴۵ درصد کاهش یافت و این در حالی است که درآمد نفتی عراق که با افزایش تولید جبران گردیده بود تنها با کاهش ۸ درصدی مواجه شد. در سال‌های ۱۹۸۷ الی ۱۹۸۸ میلادی نیز به دلیل حمله مستقیم نیروهای آمریکایی به سکوها نفتی میزان صادرات و درآمد نفتی با کاهش چشم‌گیری مواجه شد.

- جنگ نفت‌کش‌ها در بعد ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران، هم‌زمان با گسترش دامنه جنگ به مناطق مختلف خلیج فارس گسترش یافت و موجب حضور بی‌سابقه نیروهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس که پس از جنگ دوم جهانی بی‌سابقه بود گردید به‌گونه‌ای که پس از سال ۱۹۸۶ میلادی نیروی دریایی آمریکا دارای ۵۰ فروند واحد شناور نظامی و نیروی دریایی فرانسه، انگلیس، بلژیک، هلند و ایتالیا دارای بیش از ۲۳ فروند واحد نظامی در منطقه خلیج فارس بودند.

پیشنهاده‌ها

- در بعد نظامی نیروهای آمریکایی در عملیات Praying Mantis از روش رزم مشارکتی^۱ و نبرد شبکه‌محور^۲ در راستای درگیری مستقیم با نیروی

^۱ Cooperative Engagement

^۲ Network centric warfare

دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استفاده نمودند. نیروهای آمریکایی در این عملیات، با اشتراک‌گذاری اطلاعات در صحنه نبرد و درگیری هم‌زمان چند واحد رزمی علیه واحد رزمی مقابل، موجب کاهش قدرت دفاعی نیروی مقابل و در نهایت آسیب شدید و انهدام آن می‌گردیدند. در درگیری مذکور نیز همان‌گونه که بیان گردید واحدهای شناور ایران به‌صورت کاملاً مجزا^۱ وارد صحنه نبرد می‌گردیدند. لذا با توجه به تجارب حاصل از درگیری مستقیم با نیروهای آمریکایی به‌خصوص در عملیات Praying Mantis، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به‌منظور محافظت از تجارت دریایی و پیروزی در نبردهای قرن ۲۱ نسبت به اجرای عملیات مشترک با کلیه ارگان‌های دریایی و بهره‌گیری از مزایای درگیری مشارکتی در صحنه نبرد اقدام نمایند.

- در بعد اقتصادی با در نظر گرفتن این نکته که بیش از ۹۰ درصد تجارت (صادرات، واردات) و نزدیک به ۱۰۰ درصد صادرات نفت کشور از طریق دریا و از تنگه استراتژیک هرمز و اقیانوس هند عبور می‌نماید، لذا بسیار محتمل است که به‌مانند جنگ تحمیلی، در درگیری‌های احتمالی آینده نیز یکی از راه کارهای احتمالی دشمن ایجاد اختلال در تجارت دریایی و منافع جمهوری اسلامی ایران در دریا در نظر گرفته شود. لذا نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست با تبیین هر چه بیشتر اهمیت دریا در تأمین منافع ملی کشور در عرصه ملی، نسبت به افزایش قدرت دریایی کشور با مشارکت کلیه ارگان‌های دریایی و همچنین نسبت به تجهیز روزافزون نیروی دریایی به تجهیزات نوین و افزایش توان رزمی و قدرت بازدارندگی این نیرو با تدوین استراتژی‌های بلندمدت اقدام نماید.

^۱ Platform centric

• در بعد ایجاد ائتلاف علیه جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اینکه یکی از بهانه‌های حضور کشورهای فرا منطقه‌ای در خلیج فارس تأمین امنیت آبراه بین‌المللی تنگه هرمز است، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست همواره به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی امنیت تنگه هرمز و آبراه بین‌المللی شناخته گردد و با ایجاد ساختارهای امنیت منطقه‌ای و دعوت از کشورهای منطقه (در ابتدا کشورهای که روابط مناسبی با ایران دارند مانند قطر و عمان) به‌منظور تأمین امنیت این آبراه حیاتی، زمینه حضور کشورهای فرا منطقه‌ای را در خلیج فارس کاهش دهد. همچنین می‌بایست نیروهای مسلح ضمن آشنایی کامل با قوانین دریایی و حقوق دریاها، به‌گونه‌ای عمل نمایند که زمینه تشکیل ائتلاف علیه جمهوری اسلامی ایران و حضور گسترده کشورهای فرا منطقه‌ای در این آب راه حیاتی را کاهش دهند.

• با در نظر گرفتن این واقعیت که ایالات متحده آمریکا به‌عنوان دشمن ملت ایران از قدرت برتر دریایی در سطح جهانی برخوردار است، لذا نیروی دریای دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان دو بازوی توانمند تأمین امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در دریا، می‌بایست نسبت به بهره‌گیری هرچه بیشتر از فناوری‌های نوین دریایی و اجرای مستمر تمرینات مشترک به‌خصوص در زمینه رزم ناهم‌تراز نسبت به ایجاد هم‌افزایی و تقویت توان رزمی اقدام نمایند.

قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- امیری ابوالفضل. (۱۳۸۹). جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فرایند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، *مجله مطالعات تاریخی و نظامی*، ۷ (۸): ۳-۲۴.
- خودسیانی مصطفی. ارزیابی و تحلیل عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)، *فصل‌نامه علوم نظامی*، ۱۳ (۴۲): ۱-۲۲.
- زرقانی سید هادی و ابراهیم احمدی. رمزگشایی کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران، *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۱ (۴): ۶۷-۹۲.
- شهرباف جواد. ادوار نظامی‌گری در خلیج فارس، *نشریه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (تاریخ جنگ)*، ۵ (۳): ۵-۲۳.
- علایی حسین. *نگاهی گذرا به نبرد فاو، فصل‌نامه نگین*، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۶.
- میر ترابی سعید؛ سمعی مهر انگیز و ربیعی اسماعیل. تبیین نقش نفت در تحولات (آغاز، استمرار و پایان) جنگ ایران و عراق، *فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۳ (۵): ۲۱-۴۹.
- حسن لو خسرو؛ اصول جنگ در عصر ناهمگونی‌ها، *فصل‌نامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۱۵ (۷۰): ۱۵۱-۱۷۸.
- پیرزادفرد قدرت الله؛ اصول جنگ و ارتباط آن در عملیات ویژه و مشترک، *فصل‌نامه علوم و فنون نظامی*، ۲ (۴): ۱۳۷-۱۴۹.

انگلیسی

- Crist David. (2012). the secret history, twilight, war, conflict war with Iran. *new York*.
- Ehsani Kaveh. (2016). Critical Reflections on the Legacies of the Iran-Iraq War. *Middle East Critique*.
- Fattouh Bassam. (2007). How Secure Are Middle East Oil Supplies. *Oxford Institute for Energy Studies*.
- Feldman Nizan. (2021). Eiran, Ehud, Rubin, Aviad, Naval Power and Effects of Third-Party Trade on Conflict. *Journal of Conflict Resolution*.

- Humphreys Macartan. (2005). Natural Resource Conflict Resolution" *Journal of Conflict Resolution* Vol. 49, No 4.
- Herman Mark. (2005). *wargame for leaders*. London.
- Judgment. (2003). *case concerning oil platforms (Islamic republic of Iran v. United States of America)*.
- Lee Allen Zatarain. (2010). Americas first clash with Iran, The tanker war 1987-88. *Published in the United States of America and Great Britain*.
- Le Billon Philippe. (2021). *The political ecology of war, natural resources and armed conflicts, political geography*.
- Nadia El-sayed; El-shazly. (1998). The gulf tanker war Iran and Iraq maritime swordplay, *published in great Britain*.
- Oil Platforms (*Islamic Republic of Iran v. United States of America*) (2003). *Judgment, I. C. J. p. 161*.
- Razoux Pierre, *The Iran-Iraq war*. (2015). The Belknap Press of Harvard University Press Cambridge Massachusetts, London, England.
- Roren Bergman. (2008). *The secret war with Iran*. Free press, London.
- Rourke Ronald. (1988). *The Tanker War*. US naval institute, May, Vol. 114/5/1,023.
- Robert Greene. (2006). *The 33 Strategies of War*. a Joost Elffers Production,.
- Sandesh Siva Kumaran. (2016). *Exclusion Zones in the Law of Armed Conflict at Sea: Evolution in Law and Practice*. Naval war college,.
- Till Geoffrey. (2013). *Sea Power a guide for the 21 century*. Published by Routledge, third edition.

سایت های اینترنتی

- 1- <https://www.magiran.com/article/2424827>
- 2- <https://www.irdc.ir/fa/news/1720>
- 3- <https://www.shana.ir/news/146915>
- 4- <https://www.isna.ir/news/140009>
- 5- <https://marinepress.ir/politicarmy/13905/navy-in-the-era-of-sacred-defense>.